

به مناسبت جشن نوروز و فرا رسیدن سال 1395 هجری خورشیدی

نیشته: نوروز علی ثابتی

28 حوت 1394

مقدمه

گویند که تمدن بشری از قاره آسیا نشئت نموده و آریایی ها اولین ملتی بودند که تمدن بشری را پایه گذاری نموده و به حد اعلا آنرا رسانیده اند. در زمینه از تمدن چین باستان، مصر باستان، و روم باستان نباید چشم پوشید که شاهد این مدعا دیوار بزرگ چین، اهرام مصر، و هستند.

اما، برای اولین بار که در تاریخ بشری ثبت گردیده همانا حکومت داری خوب، توجه به مجتمع مدنی، و حقوق انسانی، و حتی حقوق اقلیت های دینی، قومی، و نژادی در بطن تمدن آریایی ها بار ور گردید، و در دامان این ملت بزرگ پرورده شد و بعد پختگی رسید. اگر ما به عهد نامه و یا منشور کوروش کبیر که اولین منشور حقوق بشر به شمار می آید، در نظر گیریم، مصداق این مدعا است که مردمان یهودی که سر زمین آنها در سال 587 پیش از میلاد توسط بُحْتُ نَصْر دوم، امپراتور بابلی (به عربی نُبوخذنصر، و به انگلیسی Nebuchadnezzar II) خراب گردید، و آنها را بطور اسیر به بابل انتقال داد، برای 50 سال ذلت و خواری در گرو بابلیان بودند، و از آنها به طور برده کار گرفته شد، آزاد شدند، و بیشتر شان به کشور آریایی خود بر گردانده شدند و هر کس آزاد شد مطابق به دین و عقیده خود عمل نمایند.

در سال 538 پیش از میلاد (یعنی 2554 سال پیش از امروز)، کوروش کبیر بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی، این زمینه را هموار کرده بود، و مردمان آریایی در جستجوی راهکار های تازه برای زندگی بهتر در یک حوزه مدنیت فعال و پویا، گام هایی استوار برداشته بودند. یکی از این پیشرفت های مدنی و تاریخی، دانستن گردش نظام خورشیدی بود که بشر در آن وقت به اهمیت آن پی برد. در زیر چند تصویر که نمایاننده مدنیت های بزرگ گذشته هستند که از 2000 تا 5000 سال پیش از اسلام قدامت تاریخی دارند. حتی از اهرام مصر، کسی تاریخ دقیق ساختن آنها را نمی داند.



دیوار چین ۷۰۰۰ کیلومتر درازا دارد. این اثر در سال ۱۹۸۷ در فهرست میراث جهانی ثبت شد.



استوانه کوروش کبیر



تصویری از برج بابل



هرم بزرگ: تصویری از اهرام جیزه. از راست به چپ خوفو، هرم خفرع، و هرم منکورع.

قدمات تاریخی نوروز

در کتاب « نوروز نامه » نوشته عمر خیام نیشاپوری و کتاب « آثار الباقیه عن القرون الخالیه » (آثار بجا مانده از قرن های گذشته) نوشته ابو ریحان بیرونی، شاهنامه فردوسی، تاریخ رسایل و ملوک جریر طبری، تاریخ بیهقی، تاریخ زین الاخبار گردیزی در مورد نوروز و جایگاه تاریخی آن نوشته هایی دارند.

اینکه چی وقت برای اولین بار از رسم نوروز در تاریخ بشری جشن گرفته، دقیقاً معلوم نیست. ولی همه تاریخ نگاران متفق اند که یما، پادشاه آریایی ها که در تواریخ بیشتر بنام جمشید مشهور است، روز نوروز را اعلان کرده تا جشن گرفته شود (برای معلومات بیشتر به کتاب های نوروز نامه و آثار الباقیه مراجعه گردد).

در حقیقت، جشن گرفتن نوروز، یک تحول تازه در فکر و بینش انسان ها نسبت به پدیده های طبیعی، بخصوص در قسمت تفحص در خارج از کره زمین بود. آنها دریافتند که خورشید در عرض یک سال (365 روز) از میدایی که آغاز به گردش شروع کرده، واپس به آن نقطه می رسد. این یک تحول عظیم در قسمت شناخت ستاره شناسی بود. آنها دریافته بودند که فلک به دوازده بخش تقسیم شده که هر بخش آن برج گفته می شود، و آفتاب هر یک از این بروج را برای مدت سی روز (و یا کم و بیش) طی می کند. البته به نظر آنها زمین ساکن بوده، و خورشید به دور زمین می چرخد. (اما این زمین است که به دور خورشید می چرخد).

بعد از این کشف جدید، که آفتاب بعد از 365 روز گردش باز به جای اصلی آن می آید، که در آنجا نقطه اعتدال می باشد، طول روز و شب مساوی می گردد، و همچنان نقطه اعتدال میان گرمی و سردی هم است. زمانی که آنها به این کشف بزرگ نایل شدند، آنرا بنام روز نو یاد کردند. یعنی اولین روز آغاز سال بعدی. که از رسیدن خورشید به برج فروردین خبر می دهد و خورشید باز حرکت به مدارش را آغاز می کند. بعداً همان کشف روز نو به «نوروز» مشهور گشت. خورشید در هر سال دو بار در نقطه اعتدال می رسد که در اول حمل و اول میزان است که درازای روز و شب یکی می گردد، و آریایی ها هر دو مورد را جشن گرفته اند بنام های جشن نوروز و جشن مهرگان. ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ¹

جمشید پادشاه آریایی ها، این روز را روز خوشی اعلان کرد و از تمام مردمان خواست تا این روز را گرامی بدارند، و آنرا جشن بگیرند، و استقبال کنند.

شاید جمشید برای چند دلیل این روز را جشن گرفته است:

جشن گرفتن کشف تازه که در حقیقت در آنزمان برای انسان ها به چنین چیزی یک چیز شگفت آور بود. و خوب کشف هم بوده، زیرا در آنزمان تلسکوپ و یا سفینه فضایی وجود نداشته که از طریق آن در مورد آنچه در فضا بگذرد، آگاهی داشته باشند. و این الهامی است که برای بشر آمده، در غیر آن محال است که در مورد چیزی نادانسته سخن گویند. اگر چنین نمی بود، ساینس امروز، بر نظریات آنها خط بطلان می کشید!

بالفرض، اگر گیریم که این روز اجتماعی آنقدر مهم نیست که از آن استقبال به عمل آید. این هم یک فرضیه باطل است. چون، این روز یک روز « اجتماعی انسانی » نیست، بلکه یک روز طبیعی و بیولوژیکی است. بخاطری که زمانی که باد بهاری وزیدن گیرد، و عطر آن به مشام هر زنده جانی برسد، از خواب غفلت بر می خیزد، و به جهش و جنبیدگی، و بالندگی خود ادامه می دهد و به آیه یحیی الموتی مصداق عمل می بخشد.² تمام خزندگان خون سرد جنبین می گیرند، درختان و گیاهان هم بیدار شده و به بالندگی شان ادامه می دهند، پرندگان از شادی زندگی نو، آواز های نغز و دلنشین خوشی را می سرایند، هر کدام با جفت خود در هر کناری از جهان از زندگی لذت می برند. زیرا که بهار مایه و منشاء

¹ اشاره است به آیه 38 سوره یس: وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود استقرار می یابد. این تقدیر آن عزیز دانا است.

² اشاره است به آیه 40 سوره قیامه: أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ (آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟).

زندگی است. اگر انسان ها هم آنرا جشن نگیرند، طبیعت آنرا جشن می گیرد (به حکم خدای خویش)، و دیگر زنده جانها آنرا جشن می گیرند. پس چرا انسان ها منحيث اشرف المخلوقات، از دیگر زنده جانها، پیشی نگیرند، و آنرا جشن نگیرند، و در مقابل این تحول عظیم طبیعی سکوت اختیار کنند. به خاطر این، جمشید از مردم خود خواسته، تا با سایر زنده جانها ببیوندند، و از نوروز که آغاز بهار زندگی است، تجلیل کنند، و شاکر نعمت های خداوندی باشند.

تمام عید ها و جشن ها در تمام ادیان جهان، اجتماعی هستند که منحصر به انسان ها می باشند، و دیگر زنده جانها از آن تجلیل نمی کنند (بعضی زنده جانها شاید در محضر خطر هم قرار می گیرند، و ختم زندگی شان را شاید جشن بگیرند)، به استثنای نوروز. یگانه رسمی که تمام مردم جهان از بر پای داشتن کراهیت و نفرت ندارند، از آن تجلیل می کنند، و خوشی های شان را با یکدیگر شریک می سازند، نوروز می باشد. زیرا که تمام آنها از تحول طبیعی که در جهان در حال رخ دادن است، برای همگان محسوس و ملموس می باشد، و آنرا بطور مشترک جشن می گیرند.

انسان ها نه تنها روز اول فروردین را که عبارت از نوروز است تجلیل می کنند، بلکه در کشور های هند، پاکستان، و بنگلادش، از ماه نو که در شب اول هر ماه قمری (که ماه هلال است)، تجلیل به عمل می آورند که این جشن را به نام چاند رات (و یا شب ماه نو) می گویند.

در آیین هندو هم روز اول ماه قمری و هم چهاردهم هر ماه قمری را جشن میگیرند. آنها در این ایام روزه می گیرند، و در اوقات شامگاهی دعا می خوانند. روزه گرفتن در اول ماه نو (زمانی که ماه هلال است) را بنام اماواسیا (Amavasya) و روزه گرفتن در روز چهاردهم (زمانی که ماه بدر کامل می شود) بنام پورنیم (Purnima) یاد می کنند. هندو ها معتقدند که نور مهتاب می تواند بالای سلامتی انسان تأثیر بگذارد، و آنها اینرا در طبیعت به تجربه گرفتند که در هنگام کم شدن و زیاد شدن نور مهتاب، سطح آب دریا ها هم کم و زیاد می گردد که برای آن اصطلاح جزر و مد گفته می شود. یعنی پایین آمدن و بالا رفتن سطح دریا ها که با قوه جاذبه نور مهتاب ارتباط دارد. هندو ها در این ایام (که ایام طبیعی و خارج از کنترل انسان ها می باشد)، به خدای خود (ویشنو) نیایش می کنند که آنها را از هر آفتی در امان نگهدارد. با آمدن دین اسلام در نیم قاره هند، به مرور زمان مسلمانان مراسم اماواسیا و پورنیم را ترک کردند، و تنها از دوزاده ماه قمری، در یک ماه آنرا هنوز جشن می گیرند، که آخر ماه رمضان است، و مردم در خیابان ها می بر آیند تا رؤیت ماه نو (ماه شوال المکرم) را ببینند، و آنرا با عید الفطر یکجا جشن می گیرند و آن شب را بنام چاند رات (شب ماه نو) می گویند.

غیر از این، زمانی که در زندگی یک شخص تحولی می آید (البته تحول مثبت) آنرا جشن می گیرند، مثلاً در به دنیا آمدن نوزاد، در مراسم عروسی و نکاح، که با پس از رویداد این مراسم، زندگی نو و فصل تازه زندگی آغاز می گردد.

یکی از آداب و سنن که در دین اسلام بر آن تأکید شده، عقیقه کردن برای تولد فرزند است. عقیقه یعنی قربانی کردن با آداب خاصی است (در این مورد رجوع شود به متون دینی).

پس برای تولد فرزند، برای عروسی، برای ماه نو با مراسم ویژه بر گذار می شوند، سرور و شادی کردن روا باشد، تجلیل سال نو چرا ناروا باشد که آنها هم یک تحول عظیم طبیعی است!

جشن نوروز در روایات اسلامی

معنای عید چیست؟

عید در لغت به معنای برگشت است، که موعود یعنی بر گشته و یا باز گشت است. یعنی بازگشت خوشی و یا باز گشت غمگینی. از واژه عید صرف یک بار در قرآنکریم در سوره مائده آیه 114 ذکر گردیده است:

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأُولَانَا وَأَجْرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

ترجمه: عیسی بن مریم گفت: بار خدایا! پروردگارا! برای ما از آسمان مائده ای بفرست، تا برای ما و کسانی که پس از ما می آیند عید باشد و نشانی از تو برای ما باشد و ما را روزی ده و تو بهترین روزی دهندگانی.

«عید» روزی است که در آن فایده و منفعتی به دست آید که در دین اسلام، روزهای قربان، فطر، و غدیر، عید نامیده می‌شوند که در عید اضحی، قربانی و در عید فطر، زکات فطر اجرا می‌گردند و در غدیر، حضرت علی (ع) به امامت منصوب شد. به روزهایی که مشکلاتی از قومی و یا جمعیتی برطرف می‌شود و بازگشت به پیروزی‌ها و راحتی‌های نخستین می‌کند، عید گفته می‌شود.

از آنجا که «مائده» به معنای خوان و یا سفره پر نعمت، دوبار در سوره مائده آمده است، استنباط می‌گردد که نزول رزق از آسمان به درخواست حضرت عیسی مسیح (ع) ویژگی خاصی داشته که به خاطر آن صفت «مائده» را به خود گرفته است. بنابراین، عید در این آیه اشاره دارد به نزول یک برکت آسمانی در پوشش خوانی پر از خوردنی‌ها، و تکرار و بازگشت آن روز نیز همان برکات را به همراه داشته باشد. از اینرو، نشان و حجتی دیگر از جانب خداوند (ج) برای انسان‌ها و فرصتی دیگر برای ایجاد ارتباط با خدا از طریق شکرگزاری و ذکر و یاد او در دل‌ها و زبان‌ها باشد.

در کتاب آثار الباقیه عن القرون الخالیه (اثرهای مانده از قرن‌های گذشته) ابو ریحان بیرونی نوشته است که:

در نروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر (ص) هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند: امروز نروز است. پرسید که نروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان است. (ترجمه آثار الباقیه توسط اکبر دانا سرشت، ص. 279 و 556).

در تاریخ ذکر است که آن مرد سلمان فارسی از صحابه پیغمبر (ص) بود. ایشان وقتی مسلمان شد و به پیامبر (ص) پیوست، با همه زهد و تقوایی که داشت در مناسبت با نروز، به انجام رسوم مربوط به نروز می‌پرداخت و پیغمبر (ص) نسبت به آداب و رسوم نروز چیزی نگفته است.

همچنان جاحظ بصری در کتاب المحاسن و الاضداد (خوبی‌ها و زشتی‌ها) در بخش محاسن الهدایا (خوبی‌های هدیه دادن) به روایتی از حضرت علی (ع) نوشته است:

از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت شده است که دهقانان (ایرانیان) ظرف‌های حلوا برای او هدیه آوردند. پرسیدند اینها چه هستند؟ گفتند: هدیه نروز است. پس گفت: همه روزها نروز باشد (نیزوزنا کل یوم). پس شیرینی را خورد و ندیمان را بخوراند و ظرف‌ها را بین مسلمین قسمت کرد. (المحاسن و الاضداد، ص 169).

اینکه می‌گوییم که هر روز تان نروز باد، برگرفته از همین جمله است که حضرت علی (ع) آنرا بر زبان آورده. حضرت علی (ع) منحبث صحابه پیغمبر، اولین مسلمان که در سن کوچک به اسلام گروید، اولین امام مسلمانان شیعه و چهارمین خلیفه مسلمانان اهل سنت و جماعت، می‌توانست اعتراض کند که هدیه نروز حرام و یا خرافه است!

در سوره رحمان آیه 29 می‌خوانیم که:

يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضای می‌کنند، و او هر روز در شأن و کاری است.

یعنی تمام روزها در شأن او هستند، همه کس محتاج اویند، و دعا می‌کنند که حاجات آنها را بر آورده سازد. بلی او است آن روز را می‌آفریند. آخر هر کسی در دیر، در صومعه، در کنشت، در درمسال، در مسجد، در خانقاه، حمد خداوند و آفریدگار خود را می‌گویند، آنها می‌خواهند که با خدای خود با هر زبانی که باشد و یا به هر شیوه که باشد، راز و نیاز کنند، و می‌خواهند نفعی برای خود و یا نفعی برای سایر هموعان خود برسانند.

هرکس به زبانی صفت حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

همچنان در نامه شماره 53 حضرت علی در نهج البلاغه چنین آمده است:

وقتی حضرت امیرالمومنین علی (ع) در دوران خلافت خود، مالک اشتر نخعی از یاران خود را به امارت مصر منصوب نمود، به او فرمائی در قالب یک نامه نوشت. این نامه بی تردید از مهمترین اسناد سیاسی حقوق اسلامی و در نظر گرفتن سنت های پسندیده مردمان نو مسلمان است:

« سنت نیکویی را که بزرگان این امت (مراد از مصر است) به آن عمل کرده اند و رعیت بر آن سنت به نظام آمده و حالش نیکو شده است، مشکن؛ و سنتی میاور که به سنت های نیکوی گذشته زیان رساند، آنگاه پادش نیک بهره کسانی شود که آن سنتهای نیکو نهاده اند و گناه بر تو ماند که آنها را شکسته ای. تا کار کشورت به سامان آید و نظام های نیکویی، که پیش از تو مردم بر پای داشته بودند برقرار بماند. با دانشمندان و حکیمان، فراوان گفتگو کن در تثبیت آنچه امور بلاد تو را به صلاح می آورد و آن نظم و آیین که مردم، پیش از تو بر پای داشته اند.»

بهار یعنی روی آوردن به زندگی دوباره

بعضی از نیمچه ملا های بی وقوف و کور دل باز که تنها محتوای کتاب منظره مرگ را خوانده اند، در این روز ها به حرام دانستن جشن نوروز عالم افروز فتوا داده اند. نوروز روز اول سال است که آفتاب در این روز در مرکز اعتدال قرار می گیرد و عالمی دیگر متولد می شود و زمین مرده پس زنده می گردد تا گیاه ها برویند و انسان ها و حیوانات از این نعمت خداوندی بهره مند شوند، و به نعمت های خداوندی شکر گذار باشند. آیا بیرون بر آمدن در صحرا و باغ ها و دیدن و مشاهده نمودن نعمت ها و قدرت خداوند و ذکر و شکر آن حرام است؟ خداوند خودش در قرآن کریم گفته که به این دگرگونی های طبیعت تعقل کنید و به خداوند شکر گذار باشید.

چند آیت از کلام الله مجید در مورد بهار، فصلی که مردگان (گیاهان) زنده می شوند، و نوروز، نخستین روز فصل بهار است، و بهار با نوروز آغاز می گردد.

وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (الروم: 19) و زمین را بعد از مرگش زنده می سازد ...

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (الحديد: 17)

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که ببینید

وَأَيُّ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (يس: 33)

و زمین مرده برهانی است برای ایشان که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می خورند

فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (الروم: 50)

پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان است و اوست که بر هر چیزی تواناست.

قبول شدن جشن نوروز توسط مجمع عمومی سازمان ملل منحنیت یک مناسبت بین المللی

بتاریخ 8 میزان 1388 خورشیدی، نوروز به پیشنهاد جمهوری ازبکستان توسط سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNESCO)، به عنوان میراث معنوی، برای اولین بار به ثبت جهانی رسید.

بنا به پیشنهاد جمهوری آذربایجان، مجمع عمومی سازمان ملل روز نوروز را در تقویم خود جای داد.

در متن به تصویب رسیده 4 حوت 1388 (23 فبروری 2010) توسط مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، 21 ماه مارچ جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از سه هزار سال دارد و امروزه بیش از 300 میلیون نفر آن را جشن می‌گیرند توصیف شده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ای، روز 21 مارچ برابر با اول فروردین (حمل) را در چارچوب ماده 49 و تحت عنوان **فرهنگ صلح** به عنوان روز جهانی نوروز به تصویب رسانده و در تقویم خود جای داد، طی این اقدام که برای نخستین بار در تاریخ این سازمان صورت گرفت، نوروز به عنوان یک مناسبت بین‌المللی به رسمیت شناخته شد.

نتیجه گیری

اعراب آن قدر جاهل و متعصب بودند که هر ایده و یا نظریه ای که ولو که هرچه که پیشرفته و بخاطر پیشرفت مسایل سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی و فرهنگ بود، آنرا به سادگی نمی پذیرفتند و بر فرهنگ پوشالی آبایی خود فخر می کردند ولو که چقدر خرافاتی بوده.

حضرت محمد (ص) و دیگر صحابه های شان بسیار با آنها به مشکل مواجه بودند که از زنده بگور کردن دختران گرفته تا دیگر کار های زشت غیر انسانی آنها. دوران پیش از بعثت حضرت محمد (ص) را بنام زمان جاهلیت در تاریخ اسلام می گویند، گویا اینکه در افکار و طرز بینش و طرز تلقی آنها در مردم و محیط ماحول شان تغییر آمده، و در طرز بینش آنها روشنگری بوجود آمده است. اما همین اکنون هم که در قرن بیست و یک قرار داریم در طرز برخورد و آداب عرب ها کمتر تغییری بمیان آمده است. بویژه بعد از بدست گرفتن قدرت دولتی توسط آل سعود که بینش رادیکال و افراط گرایانه سلفی گری و هابیت را اصل حکومت داری خود قرار داده اند. هنوز هم تبعیض علیه اقلیت های قومی، زبانی، دینی، و مذهبی را دامن میزنند، و دختران را که زنده بگور می کردند، بعد از 1400 سال هم در قسمت احقاق حقوق زن در عربستان و کشور های حوزه خلیج رو نما نگردیده است.

از اسلام ملت های دیگری بهره های زیادی برده اند. تمام دانشمندان اسلامی در عرصه علم ریاضی، نجوم، فلسفه، و سایر علوم که اسلام مرهون شاهکار های آنها است، افراد و اشخاص غیر عرب زبان بوده اند مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، نصیر الدین طوسی، خوارزمی، و دیگران.

چیزی که خار چشم این عرب های کور دل و متعصب است، سنت های پسندیده مردمان دیگر است، از آن جمله جشن نوروز. در هیچ متن متن دینی در 1400 سال دیده نمی شود که صریحاً گفته باشند که تجلیل نوروز حرام است. تنها غزالی در کتاب کیمیای سعادت گفته که باید تجلیل از روز نوروز از بیخ کنده شود. آخر این مردم امت محمد هستند، نه امت غزالی که بیاید و با یک فتوای بدعت تجلیل از مراسم نوروز را منع کند.

فرهنگ ستیزی اعراب چنان متعصبانه است که بالفرض اگر نفت در عربستان نمی بود، شاید فقهای آنها فتوی می دادند که استفاده از نفت حرام است.

آنها برای فرهنگ زدایی سایر ملل از هیچ گونه ناروایی دریغ نمی ورزند، و به این خاطر میلیون ها دالر به مصرف می رسانند تا نیمچه ملا های بی خبر و بی دانش سلفی - وهابی را استخدام و از طریق آنها پروژه های تخریبی و ضد فرهنگی را راه می اندازند. مثلاً تخریب تندیس بودا در بامیان، تخریب شهر نمرود در عراق، تخریب طاق نصرت شهر پالمیرا در

سوریه، و نابود کردن دیگر آثار و آبدات تاریخی. فرعون که لاف از خدایی زد، هنوز پیکر مومیایی شده اش در اهرام مصر موجود است. ولی، در مسیر تاریخ 1400 ساله اسلام، هیچ امیر ویا سلطان مسلمان امر به تخریب آن مبادرت نورزیده است. و این برای ساکنین محل از نقطه نظر اقتصادی و در آمد خوب، از طریق گردش گردی و توریسم است. کسی در بامیان نبوده که گفته باشد که تندیس بودا در آنجا آفریننده آنها است. ولی بخاطری که این مردم در فقر و تنگدستی بسر برند و هیچ در آمدی نداشته باشند. کسانی هم که از بامیان و از تندیس بودا دیدن می کردند، بخاطر این نبوده که آنها بیایند و از نزدیک با خدای خود ملاقات کنند.

نیمچه ملا های سلفی – وهابی میگویند که جشن نوروز « حرام » است. در کدام متن دینی این آمده است. در این زمینه دانشمندان بزرگ اسلامی چون ابوعلی ابن سینا، ابو ریحان بیرونی، بیهقی، طوسی و دیگران کتاب هایی نوشتند، و اگر حرام می بود، عباسی ها، سامانیان، سلجوقیان، غزنویان، صفویان، و دیگران آنرا در هم می کوبیدند. بر عکس، آنها از این رویداد حمایت می کردند. سلطان محمد غزنوی، که بنام بت شکن و فاتح سومنات در هند است، می توانست این مراسم را منع کند، اما می بینیم که شعرای دربار وی شعر ها و سرود های زیادی به مناسبت نوروز سروده اند، و تقدیم دربار شاهنشاهی اسلامی نموده اند (به کتاب تاریخ بیهقی رجوع شود).

در عوض، ملا ها باید بگویند که اسلام در مورد مراسم نوروز چیزی نگفته است، بهتر است از اینکه جاهلانه در موقف خود ایستادگی کنند.

بلی، بعضی چیز ها وجود دارد که باید بالای شان مکث شود. مانند، روشن کردن آتش و پریدن از بالای آن از نقطه نظر ایمنی خوب نیست، و خطر ناک است. لگد زدن سبزه که آن هم زنده جان است، و یا آزار دادن حیوانات بخاطر لذت بردن (مانند بزکشی که یک حیوان دیگر را میرنجانند)، جنگ انداختن حیوانات و پرندگان و دیگر کار های ناشایست اجتماعی باید منع شوند.

اسلام در مورد بازی فوتبال، رفتن به کرّه ماه، استفاده از برق، استفاده از موتر، چیزی نگفته، آیا اینها حرام هستند، و دست یازیدن به این اقدامات کفر آمیز است.

اسلام در مورد کاشتن، حاصل گرفتن، و استفاده از تنباکو و افیون (تریاک) چیزی نگفته، اما از آنها مواد خطرناکی چون نیکوتین و هیروئین، ساخته می شود که برای انسان ها از نقطه نظر سلامتی جسمی، ذهنی، اجتماعی، خانوادگی، و اقتصادی بسیار مضر است، چرا این ملا ها کاشتن تنباکو، بنگ، و افیون را که خطرات آنها هزار مرتبه بیشتر از برزگداشت نوروز است، حرف نمی زنند. چون بداران عرب آنها در این مورد برای شان دستوری نداده اند. همچنان، آنها شریک منفعتی که از این مدرک بدست می آورند، چرا تیشه بر ریشه رزق و روزی (حرام) خود بزنند.

اسلام در مورد اهدای خون برای انسان هایی که خون خود را از دست می دهند و کندن و پیوند اعضای بدن (مثلاً کشیدن گرده یک نفر و پیوند دادن آن به یک نفر دیگر) چیزی نگفته، آیا این حلال است یا حرام؟

کتاب فقه که در سال دوم و سوم هجری تدوین شده اند، جوابگوی اینگونه مسئله های کنونی نیستند که ما در عصر تکنالوژی مدرن زندگی می کنیم. اما نظر به صلاح اندیشی، بشر از اینها کار می گیرند. آیا این اقدامات بشری کفر گونه اند؟ در آخر این نیشته، غزلی از خیالی بخارایی در اینجا می آورم که خیلی عارفانه سروده شده است.

ای تیر غمت را دل عشاق ، نشانه	جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد	یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار	او خانه همی جوید و من صاحب خانه

مقصود من از کعبه و بتخانه تویی ، تو
یعنی همه جا عکس رُخ یار توان دید
هرکس به زبانی صفت حمد تو گوید
تقصیرِ خیالی به امید کرم توست

مقصود تویی ، کعبه و بتخانه بهانه
دیوانه نیم من ، که روم خانه به خانه
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
یعنی که گنه را به از این نیست بهانه